

# تسهیل‌گری: روش آموزش حقوق بشر

سمانه رحمتی‌فر،<sup>1</sup> مهرداد گنجعلی دارانی<sup>2</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۴

## چکیده

تسهیل‌گری یا آموزش مشارکتی از روش‌های نوین آموزشی محسوب می‌شود. هدف از آموزش حقوق بشر ترویج و حمایت از آن است. این مقاله با مقایسه تطبیقی تسهیل‌گری و آموزش حقوق بشر نشان می‌دهد تسهیل‌گری مناسب‌ترین روش برای آموزش حقوق بشر است. اصول آموزش حقوق بشر شامل ترویج ارزش‌های حقوق بشری، احترام به تفاوت‌ها و مخالفت با تبعیض، تشویق به تجزیه و تحلیل مسائل حقوق بشری، توانمندسازی برای شناسایی نیازهای حقوق بشری، توسعه ظرفیت‌های طرف وظیفه، انطباق آموزش با ویژگی‌های محلی، ترویج دانش و مهارت حقوق بشر، مشارکت محوری، ترس‌زدایی و برقراری ارتباط میان محتوای آموزش و زندگی روزمره فراگیران در انطباق کامل با مؤلفه‌های روش تسهیل‌گری شامل برابری، مشارکت محوری، شنوندگی فعال، رعایت محرمانگی، ایجاد محیطی امن، احترام متقابل، محوریت تجربه‌های افراد و تجهیز متناسب مکان است.

**واژگان کلیدی:** تسهیل‌گری، آموزش حقوق بشر، مشارکت محوری، فقدان تبعیض.

1. استادیار گروه حقوق، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان / s.rahmatifar@gmail.com (نویسنده مسئول)

2. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان / mgdarani@gmail.com

## مقدمه

محتوای آموزش، روش آموزش را تعیین می‌کند. داستان‌نویسی را نمی‌توان مانند ریاضیات آموزش داد و روش آموزش فلسفه و عکاسی یکی نیست. گاهی اهمیت روش از محتوا بیشتر می‌شود. انتخاب روش از سویی زمینه آموزش صحیح و اصولی را می‌سازد و از سوی دیگر بر محتوای آموزش تأثیرگذار است. روش، بسته به محتوا و هدف آموزش و ویژگی‌های فراگیران انتخاب می‌شود.

آموزش حقوق بشر فرایندی مستمر و همیشگی است که دانش و مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتارها را برای ترویج و حمایت از حقوق بشر آماده می‌کند. این تعریف برگرفته از برنامه جهانی آموزش حقوق بشر است که از خلال همکاری کمیساریای عالی حقوق بشر و یونسکو در سه فاز نوشته شده است. فاز نخست برنامه (2005-2009) (OHCHR, 2006) بر نظام آموزشی مدارس و فاز دوم (2010-2014) (OHCHR, 2012) بر آموزش عالی و مقامات رسمی تمرکز می‌کند. فاز سوم (2015-2019) (OHCHR, 2014) درباره آموزش حقوق بشر به اصحاب رسانه است. در تصویب طرح اقدام برای مرحله دوم در شورای حقوق بشر در سپتامبر 2010، کشورهای عضو ملل متحد توافق کردند آموزش حقوق بشر را از طریق توسعه و بررسی سیاست‌ها و روش‌های آموزشی تقویت کنند (OHCHR, 2012: 4).

آموزش به‌طور کلی و آموزش حقوق بشر به‌طور خاص را می‌توان از نظر مرجع آموزش دهنده، فراگیران، سطح آموزش، هدف و روش تقسیم‌بندی کرد (OHCHR, 2011: 106). در تقسیم‌بندی براساس روش، تأکید بر شیوه انتقال مفاهیم به فراگیران است و به دو نوع سنتی و نوین تقسیم می‌شود. منظور از روش سنتی، آموزش بر مبنای رابطه استاد و شاگردی است و آموزش‌های نوین بیشتر حول جلب مشارکت فراگیران یا استفاده از سخت‌افزارهای نوین می‌چرخد (Claude, 2000: 4-13). یکی از روش‌های نوین آموزشی، تسهیل‌گری است.

هدف اصلی پژوهش حاضر سنجش نسبت میان تسهیل‌گری به‌عنوان روش و حقوق بشر به‌عنوان محتوای آموزش است. پرسش اصلی این است که تسهیل‌گری به‌مثابه روش آموزش حقوق بشر، چه اندازه کارآمد است؟ فرضیه اصلی این است که عمده ویژگی‌های تسهیل‌گری با اصول آموزش حقوق بشر تطابق دارد و از این نظر بهترین روش آموزش حقوق بشر به انواع مخاطبان است.

روش تحقیق با توجه به ماهیت آن توصیفی - تحلیلی است؛ بدین ترتیب که ابتدا ویژگی‌های روش تسهیل‌گری و اصول آموزش حقوق بشر (طبق برنامه جهانی آموزش حقوق بشر) توصیف و سپس نسبت ویژگی‌های آن با اصول آموزش حقوق بشر از طریق روش مقایسه تطبیقی، تحلیل می‌شود. در این مقاله ابتدا مفهوم و مؤلفه‌های تسهیل‌گری به‌عنوان روش آموزش تبیین شده و سپس میزان انطباق اصول آموزش حقوق بشر با مؤلفه‌های تسهیل‌گری سنجیده می‌شود.

### 1. ادبیات و سابقه پژوهش

در منابع علمی رشته‌هایی مانند علوم تربیتی، مدیریت و روان‌شناسی و در زمینه آموزش حقوق بشر در منابع حقوق بین‌الملل و در دکترین حقوقی مباحث زیادی پیرامون تسهیل‌گری مطرح شده است.

#### 1-1. تسهیل‌گری

تسهیل‌گری به‌عنوان روش حل مناقشه و سپس روش آموزش، پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد؛ یعنی تقریباً هم‌زمان با طرح حقوق بشر در حقوق بین‌الملل موضوعه! این تقارن زمانی احتمالاً اتفاقی نیست و هر دو با غلبه دیدگاه‌های انسان‌گرا که به سوژگی انسان می‌انجامد، ارتباط دارد.

#### 1-1-1. تعریف تسهیل‌گری

در تعریف تسهیل‌گری دو رویکرد کلی وجود دارد؛ در یک رویکرد بر مؤلفه بی‌طرفی ارزشی تسهیل‌گر تأکید می‌شود و فرایندی تعریف می‌شود که از خلال آن فردی بی‌طرف، به ذی‌نفعان کمک می‌کند تا اهدافشان را شناسایی کنند و بتوانند به آن دست یابند (Groot, 2000: 14). در رویکرد رقیب، بی‌طرفی ارزشی تسهیل‌گر ناممکن ارزیابی می‌شود و تسهیل‌گری را ترکیبی از دانش و مهارت تعریف می‌کنند که هدفش توانمندی افراد و گروه‌ها برای رسیدن به توسعه به صورت مشارکتی است (Hogan, 2002: 55). تعریف دوم مبنای پژوهش حاضر است. روش تسهیل‌گری در پنج حوزه آموزش، کسب‌وکار، مدیریت، توسعه و مددکاری اجتماعی استفاده می‌شود (Thomas, 2010: 239-254). منظور از تسهیل‌گری به‌عنوان روش آموزش، جلب و هدایت مشارکت فراگیران در فرایند آموزش است. تسهیل‌گری دربرگیرنده چیزی بیش از صرف انتقال اطلاعات تخصصی به فراگیران است. این روش با بهره‌گیری از دانسته‌های فراگیران به آن‌ها کمک می‌کند خلأهای دانشی خود را پر

کنند. این روش بر مشارکت فعال و مؤثر فراگیران مبتنی است و تسهیل‌گر هم‌زمان نگران روش و محتوای آموزش است (Kamp, 2011: 17).

رویکرد روش‌های سنتی آموزش با تسهیل‌گری به‌عنوان روش نوین تفاوت دارد. در آموزش سنتی انتقال اطلاعات به تک‌تک افراد مهم است؛ هدف فهمیدن دقیق یک موضوع به‌عنوان محتوای آموزش است؛ درحالی‌که در روش تسهیل‌گری گروه و پویایی آن بر افراد اولویت دارد و هدف توانمندسازی گروه فراگیران و ایجاد درک پیرامون مجموعه‌ای از موضوعات مرتبط در گروه است که از طریق فرایندهای مشارکتی محقق می‌شود. در روش‌های سنتی هدف را مربی از پیش تعیین می‌کند و فراگیران به سمت آن هدایت می‌شوند، ولی در تسهیل‌گری هدف از آموزش را خود گروه فراگیران با کمک تسهیل‌گر تعیین می‌کنند و تسهیل‌گر آن‌ها را به سمت هدف راهنمایی می‌کند (Information Resources Management Association, 2010: 561). رشد استفاده از تسهیل‌گری به‌عنوان روش نوین و سودمند آموزشی، بیشتر مدیون این نگاه است که با به‌کارگیری مجموعه‌ای از روش‌ها و مهارت‌های گروهی می‌توان به انسان‌ها کمک کرد بهتر با هم ارتباط برقرار کنند و درک بهتری از جهان داشته باشند.

در روش‌های سنتی آموزش، بیشتر فراگیران در کلاس‌های مربی‌محور آموزش می‌بینند؛ مربیان صحبت می‌کنند و فراگیران گوش می‌دهند؛ مگر زمانی که از آنان خواسته شود طرح پرسش کنند یا به پرسش‌هایی پاسخ دهند. الگوی سنتی، دانایی مربی و جهل فراگیران را مبنا قرار می‌دهد (Ganj, 2006: 1-16). در روش تسهیل‌گری، فراگیران تجربه‌های خود را به اشتراک می‌گذارند؛ دوگانه جهل - دانایی مبنا نیست. در این روش پاسخ صحیح و قطعی وجود ندارد و گروه فراگیران و حتی خود تسهیل‌گر در نهایت به درک مشترکی از مسائل دست می‌یابند (Flowers, 2000: 30, 31 & Gibbs, 2001). سخنرانی تقریباً تنها شیوه در آموزش سنتی است. در تسهیل‌گری شیوه‌های متنوعی مانند بارش افکار، گروه‌بندی، پانتومیم، نمایش، انواع بازی گروهی و غیره استفاده می‌شود (ن.ک: یونیسف، 1392 الف و ب). عنصر خلاقیت در انتخاب و ساختن روش آموزش اهمیت زیادی دارد.

نکته بسیار مهم این است که تسهیل‌گری به‌مراتب سخت‌تر از آموزش سنتی است، زیرا اگر در آموزش سنتی اقتدار و دانایی دو ویژگی مهم مربی باشد، تسهیل‌گر علاوه بر اشراف علمی به محتوا، باید روش‌های متنوع جلب مشارکت فراگیران را بداند و صبوری لازم را برای دستیابی به نتیجه بدون مداخله مستقیم نیز داشته باشد.

### 1-1-2. مؤلفه‌های تسهیل‌گری

در دکترین علوم مرتبط با تسهیل‌گری، ویژگی‌هایی برای این روش برشمرده شده است که فصل مشترک آن‌ها موارد زیر است:

- برابری؛
- مشارکت محوری؛
- شنوندگی فعال؛
- رعایت محرمانگی؛
- ایجاد محیطی امن؛
- احترام متقابل؛
- محوریت تجربیات افراد؛
- تجهیز متناسب مکان.

### 1-2. آموزش حقوق بشر

آموزش حقوق بشر ذیل حق آموزش قرار می‌گیرد و به مجموعه فعالیت‌های آموزشی، ترویجی و اطلاع‌رسانی گفته می‌شود که برای رعایت و تحقق حداکثری حقوق بشر و احترام به شرافت انسان و قادر ساختن همه افراد به مشارکت مؤثر در امور جامعه صورت می‌گیرد (انصاری و همکاران، 1388: 13). اهمیت و ارزشی که جامعه بین‌المللی برای آموزش حقوق بشر قائل است، در تصمیم سازمان ملل متحد در اعلام دهه 1995-2004 به‌عنوان دهه آموزش حقوق بشر تبلور یافت.

برای ایجاد و تقویت فرهنگ حقوق بشر از طریق آموزش آن، دولت سه وظیفه بر عهده دارد: 1. اصلاح نظام آموزش رسمی و ایجاد حساسیت نسبت به رعایت حقوق بشر در درون ساختارها و مؤسسه‌های دولتی؛

2. نظارت بر نهادهای عمومی غیردولتی و بخش خصوصی از نظر جریان صحیح آموزش حقوق بشر؛

3. تسهیل ایجاد نهادهای حامی و متولی حقوق بشر درباره گروه‌های خاص مانند زنان، معلولان و کودکان (امیرارجمند، 1378: 163). در آموزش حقوق بشر علاوه بر انتقال دانش، مهارت‌ها نیز باید تمرین شوند و نگرش و ارزش‌ها مورد بازنگری قرار گیرند؛ از این‌رو آموزش حقوق بشر زمانی به

اهداف خود می‌رسد که دانش و اطلاعات درباره حقوق بشر و سازوکارهای حمایتی آن و فرهنگ حقوق بشری برای فراگیران روشن شود، و در مرحله بعد آنان به انجام اقدامات لازم برای دفاع از حقوق بشر و جلوگیری از سوءاستفاده از آن تشویق شوند (انصاری و همکاران، 1388: 13 و 14). تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها و نیز متقاعدساختن فراگیران به پیگیری موارد نقض حقوق بشر (تغییر رفتار) از طریق روش‌های سنتی آموزش و به‌ویژه روش سخنرانی به دست نمی‌آید. در «کنفرانس بین‌المللی آموزش حقوق بشر برای فعالان مدنی و عمومی» به استفاده از روش‌های نوین آموزش گروهی و نقش آن بر توسعه حقوق بشر تأکید شد (OHCHR, 2013: 7). در آموزش بزرگسالان استفاده از روش‌های خلاقانه تعاملی می‌تواند زمینه درونی‌سازی مفاهیم محتوای آموزش را فراهم کند.

## 2. اصول آموزش حقوق بشر در انطباق با مؤلفه‌های تسهیل‌گری

کمیساریای عالی حقوق بشر طی سه فاز برنامه عمل، ده اصل برای آموزش حقوق بشر برشمرده است (Eg. OHCHR, 2014: 5). در ادامه، تحقق هریک از این اصول از طریق مؤلفه‌های تسهیل‌گری که در سابقه پژوهش به آن اشاره شد، امکان‌سنجی می‌شود.

### 1-2. ترویج اصول و ارزش‌های حقوق بشر

اصول ارزشی حقوق بشر عبارتند از: وابستگی متقابل، سلب‌ناشدنی، تجزیه‌ناپذیری و جهان‌شمولی همه انواع حقوق بشر، مدنی، سیاسی و غیره (UNDP, 1998: 3, 4). حق‌های بشری جهان‌شمول و سلب‌ناشدنی هستند، همه افراد بشر از آن بهره‌مندند و هیچ‌کس نمی‌تواند خود را از دایره شمول حقوق بشر خارج کند (Raphael, 2012: 22). به طریق اولی هیچ دولتی نمی‌تواند شهروندی را خارج از مشمول دایره حق‌ها فرض کند. حقوق بشر به‌مثابه کل تجزیه‌ناپذیر است و حق‌ها با یکدیگر وابستگی و ارتباط متقابل دارند، یعنی تحقق هر حق بستگی به تحقق دیگر حقوق دارد (UNPF, 2005). برای مثال حق کار مستلزم تحقق حق توسعه، حق سلامت، حق دسترسی به اطلاعات و حق آموزش است. حق‌های بشری هم‌عرض هستند و نسبت به یکدیگر تقدم و تأخر ارزشی ندارند؛ دسته‌بندی‌هایی مانند حق‌های مدنی، سیاسی، فرهنگی و غیره تنها کارکرد آموزشی و پژوهشی دارد (Bellamy, 2003: 92).

برای آموزش صحیح حقوق بشر و به منظور تحقق آن، صرف دانستن حقوق بشر و تجربه در

آموزش‌گری کفایت نمی‌کند، بلکه آموزش‌گر حقوق بشر باید تعهدی عمیق به حقوق بشر داشته باشد. حقوق بشر نظامی ارزشی است. اگر رفتار خود آموزش‌گر در طول فرایند آموزشی، این ارزش‌ها را منعکس نکند، معلوماتش بی‌اعتبار می‌کند؛ بنابراین رفتار آموزش‌گر حقوق بشر باید تا جای ممکن با گفتارش هماهنگ باشد (OHCHR, 2004: 22).

طبیعی است با روش‌های سنتی مانند سخنرانی، امکان انتقال عملی ارزش‌ها فراهم نمی‌شود، ولی تسهیل‌گری ابزارهای خوبی برای انتقال هم‌زمان دانش و ارزش دارد. ضرب‌المثل «دو صد گفته چون نیم کردار نیست»<sup>۱</sup> در حوزه تسهیل‌گری پُرکاربرد است. این مَثَل به لزوم انطباق رفتار تسهیل‌گر با محتوای آموزش اشاره دارد. از طریق رفتار، آموزش، بدون کلام و به شکل مؤثرتری جریان می‌یابد (Ornstein, 1999: 539).

## 2-2. احترام به تفاوت‌ها و مخالفت با تبعیض

احترام به تفاوت‌ها و مخالفت با انواع تبعیض مبتنی بر نژاد، جنس، زبان، مذهب، عقیده، ملیت، قومیت، و شرایط جسمی و روانی از جمله اصول آموزش حقوق بشر است. حقوق بشر در مقام انکار تفاوت‌ها و مشابه‌سازی انسان‌ها نیست و تفاوت‌های جسمی، نژادی، مذهبی، جنسی، زبانی، سیاسی و غیره را به رسمیت می‌شناسد و حتی در قالب حق‌هایی مانند حق تنوع فرهنگی، حق زبان مادری، حق مذهب و غیره از بقای اقلیت‌ها و ازمیان‌نرفتن آن‌ها در اکثریت حمایت می‌کند؛ درعین حال تبعیض حقوقی و عرفی بر مبنای تفاوت‌ها با اصل مبنایی حقوق بشر یعنی برابری در تضاد است (Weiwei, 2004: 7, 8).

برابری یکی از اصول تسهیل‌گری است. تسهیل‌گری از دو منظر با اصل برابری درگیر است: نخست درحالی‌که وظیفه تسهیل‌گر، آموزش به همه اعضای گروه است، در موضع برابر با فراگیران و در جایگاه سرگروهی<sup>۲</sup> قرار دارد (Ismail et al., 2013: 11). موقعیت مربی در آموزش سنتی را می‌توان به رییس یا پدر گروه تعبیر کرد؛ ولی تسهیل‌گر نسبت به فراگیران در موضع برادری می‌نشیند. دوم اینکه آموزش مشارکتی نیازمند رعایت اصل برابری میان فراگیران است تا همه به یک اندازه فرصت مشارکت و بهره‌مندی از دوره آموزشی را داشته باشند (Prendiville, 2008: 15). تسهیل‌گر به رهبر ارکستر تشبیه

1. Action Speaks Louder Than Words

2. First among Equals

می‌شود؛ کسی که باید توانمندی تک‌تک نوازندگان را بشناسد و از هریک در جای مناسب استفاده کند تا در نهایت موسیقی زیبایی از کل گروه به گوش برسد (Sharry, 2007: 49). به عبارت دیگر در روش تسهیل‌گری، فراگیران تنها ابژه یادگیری نیستند، علاوه بر آن سوژه آموزش نیز هستند و هریک می‌توانند در روند آموزش مانند یک نوازنده موسیقی ایفای نقش کنند.

تفاوت‌ها در روش تسهیل‌گری یکی از ابزارهای انتقال مفاهیم است. در این روش، تسهیل‌گر از اختلاف اوصاف و ویژگی‌های فراگیران مانند تفاوت جنسیتی، نژادی، طبقاتی، سنی و غیره نهایت بهره را می‌برد تا افراد را با مسائل یکدیگر آشنا کند، پیش‌دواری‌های گروه‌ها را نسبت به یکدیگر از بین ببرد و در نتیجه زمینه تعامل بدون تبعیض افراد و گروه‌های متفاوت را فراهم سازد (Prendiville, 2008: 21, 22). برای مثال در شیوه گروه‌بندی،<sup>۱</sup> تسهیل‌گر گروه‌ها را به گونه‌ای می‌چیند که در هر گروه، اعضایی با اوصاف متفاوت حضور داشته باشند و به گفت‌وگو بپردازند. اگر روش تسهیل‌گری در آموزش حقوق معلولان به کار رود باید تعدادی از معلولان و مسئولان دولتی در میان فراگیران حضور داشته باشند تا معلولان محدودیت‌ها و مشکلات‌شان را مطرح کنند و موارد نقض حقوق‌شان کاملاً روشن شود تا حضور مسئولان به ایجاد حساسیت نسبت به مسائل معلولان و اعمال تبعیض مثبت به نفع آنان بیانجامد.

به منظور فراهم‌شدن زمینه بهره‌برداری از تفاوت‌ها، تسهیل‌گر خود به همه فراگیران احترام می‌گذارد و آن‌ها را از تحقیر و هتک‌حرمت باز می‌دارد. جریان اصل احترام متقابل به نظرها و اوصاف اعضای گروه مانند لهجه موجب می‌شود اختلاف‌ها به راحتی به توافق بیانجامد و برعکس؛ یعنی جریان یافتن عدم احترام در یک دوره تسهیل‌گری مانع از شکل‌گیری درست مشارکت می‌شود (Maxey et al, 2013: 149).

### 2-3. تشویق به تجزیه و تحلیل مسائل حقوق بشری

به موجب برنامه عمل کمیساریای عالی حقوق بشر، تشویق به تجزیه و تحلیل انتقادی معضلات همیشگی و جدید حقوق بشر و باور به امکان رفع آن‌ها با روش‌های همسو با استانداردهای حقوق

1. روشی که در آن فراگیران به گروه‌هایی با اعضای مساوی تقسیم می‌شوند، در گروه موضوعی را به بحث می‌گذارند و سپس یک نماینده از طرف هر گروه، نتایج گفت‌وگو را برای کل فراگیران بازگو می‌کند.



بشری، از اصول آموزش حقوق بشر است. منظور از معضلات همیشگی مسائلی مانند فقر و خشونت و تبعیض است و مسائل جدید به اموری مانند تغییر ژنوم طبیعت اشاره دارد. تأکید بر نقش حقوق بشر در بهبود زندگی روزمره، در افراد انگیزه کنش‌گری ایجاد می‌کند. آموزش حقوق بشر صرف انتقال اطلاعات حقوقی نیست، بلکه هدف از آن گسترش حقوق بشر و اجرای حداکثری آن است. همچنین آموزش حقوق بشر به افراد برای ترویج حق‌ها و حمایت از حقوق دیگران در سطح فردی، محلی، ملی و بین‌المللی انگیزه می‌دهد. مبارزه با معضلات حقوق بشری، علاوه بر برنامه‌های دولتی از بالا، نیازمند طرح آن به‌عنوان مسئله برای همه افراد است؛ از این منظر، رویکرد انتقادی به نظم‌های عرفی و حقوقی موجود، ابزاری برای مبارزه با فقر، انواع خشونت‌ها و تبعیض‌های نظام‌مند از جمله تبعیض علیه زنان است (OHCHR, 2003: 633, 634). یکی از ویژگی‌های دوره خوب آموزش حقوق بشر، ایجاد زمینه پاسخ‌گویی بیشتر مقامات در برابر نقض حقوق بشر است که جز با تقویت رویکرد انتقادی در طرف‌های حق، محقق نمی‌شود (Potocan, 2016: 305).

از جمله کارکردها و اهداف آموزش به روش تسهیل‌گری، ایجاد و تقویت تفکر انتقادی در فراگیران است (Ankiewicz et. al, 2001: 188). تسهیل‌گر گفته‌ها و ناگفته‌های فراگیران را به‌خوبی می‌شنود و با نشانه‌هایی مانند جمع‌بندی گفته‌های فراگیر، برقراری رابطه مستقیم چشمی، تکمیل جمله‌های فراگیر و غیره مخاطب را از دریافت پیام مطمئن می‌سازد (Hunter, 2013: 60). تسهیل‌گر علاوه بر اینکه خود از این ویژگی برخوردار است، باید در طول دوره آموزشی همه فراگیران را به شنوندگی فعال تشویق کند (Prendiville, 2008: 47). خوب‌شنیدن اظهارات دیگران و خوب‌دیدن وضع موجود و وضع مطلوب، تفکر نقاد و قدرت تحلیل را در افراد تقویت می‌کند.

#### 2-4. توانمندسازی برای شناسایی نیازهای حقوق بشری

از اصول آموزش حقوق بشر این است که گروه‌ها، جوامع محلی و افراد برای شناسایی نیازهای حقوق بشری‌شان توانمند شوند و در آن‌ها این باور تقویت شود که حق‌ها محقق خواهند شد. یکی از لوازم تحقق حقوق بشر، شناسایی موانع تحقق آن است. مانع اجرای حقوق بشر برخلاف خود آن جهان‌شمول نیست و از جایی به جای دیگر تفاوت دارد. برای مثال مانع محقق‌نشدن حق آموزش برای دختران در جامعه‌ای قبح عرفی مدرسه‌رفتن دختران، و در جامعه دیگر فقر والدین است.

تسهیل‌گری، توانمندی لازم را برای اقدام عملی به افراد و گروه‌ها می‌دهد. در این روش تسهیل‌گر با استفاده از مهارت‌هایی در فرایند آموزش اجازه می‌دهد فراگیران خود تصمیم بگیرند، هدف‌گذاری کنند و روش اعمال مهارت را بیاموزند (Prendiville, 2008: 13)؛ بنابراین دوره مبتنی بر روش تسهیل‌گری با تمرین اقدام برای تحقق محتوای آن (در اینجا حقوق بشر) همراه است.

## 2-5. توسعه ظرفیت‌های طرف وظیفه

هدف از توسعه ظرفیت‌های طرف وظیفه و به طور مشخص مقامات دولتی این است که آن‌ها بتوانند به تعهدات خود از جمله احترام به حقوق بشر و اجرا و حمایت از آن، عمل کنند. حقوق بشر یک طرف حق دارد که معمولاً فرد انسانی و گاه گروه‌های اقلیت است و یک طرف وظیفه که به طور سنتی دولت است. تحت تأثیر جهانی‌شدن حقوق، بخش خصوصی و جامعه مدنی نیز به طرف وظیفه اضافه شده‌اند. طرف‌های وظیفه، موظف به احترام، ترویج و اجرای حقوق بشر هستند. آموزش حقوق بشر از دو طریق می‌تواند به توسعه ظرفیت طرف وظیفه در ارتباط با آن بیانجامد: نخست با ارتقای دانش و مهارت‌های حقوق بشری نیروی انسانی طرف وظیفه، و دوم با استفاده از ظرفیت‌های دولتی و امکانات مادی آن‌ها برای آموزش حقوق بشر. بدین‌وسیله از سویی سرمایه لازم برای آموزش حقوق بشر (اعم از وجوه نقد یا کمک‌های غیر نقدی مانند مکان جلسه‌ها و امکانات و تجهیزات آموزشی) تأمین می‌شود و مانع مالی از سر راه آموزش حقوق بشر برداشته می‌شود و از سوی دیگر طرف وظیفه خودبه‌خود به حامی حقوق بشر تبدیل می‌شود.

استفاده از منابع نوین و تجهیزات آموزشی و کمک‌آموزشی در موفقیت آموزش بسیار مؤثر است. در این راستا تسهیل‌گر فناوری‌های نوین را می‌شناسد و توانایی استفاده مؤثر از آن‌ها را دارد. فراهم کردن تجهیزات و امکانات از چالش‌های روش تسهیل‌گری است. تسهیل‌گر باید از فراهم بودن لوازم آموزشی مطمئن شود (Baldwin-Ragaven et. al, 2009: 95) و در ادامه مسیر، مشارکت خود فراگیران را در فراهم‌سازی لوازم آموزش جلب کند. تسهیل‌گر بر تجهیزات فیزیکی مکان برگزاری دوره نظارت می‌کند تا هم تأمین‌کننده اصول تسهیل‌گری باشد و هم سازگار با محتوای آموزش. منظور از تجهیزات عبارت است از: وجود فضای کافی برای انجام کارهای گروهی، دمای اتاق، هوای اتاق، نور اتاق، خوراکی و آشامیدنی کافی، امکان دادن زمان تنفس، تخته، ویدئوپروژکتور و سایر نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای کمک‌آموزشی (Bracken, 2005: 61, 62). از آنجاکه روش

تسهیل‌گری در مجموع نسبت به روش‌های سنتی پُرهزینه‌تر است، جلب کمک‌های دولتی و بخش خصوصی به‌ویژه در آموزش حقوق بشر، اجتناب‌ناپذیر است.

## 6-2. انطباق آموزش با ویژگی‌های محلی

برنامه آموزشی اگر بر اصول برخاسته از فرهنگ‌های مختلف مبتنی شود و توسعه تاریخی و اجتماعی هر کشوری را مد نظر قرار دهد، مؤثر واقع می‌شود. منظور از این اصل، لزوم توجه به بستر و بافتار محل برگزاری دوره آموزشی است. برای مثال، در ارتباط با آموزش حق ازدواج، در یک بافتار اجتماعی، ازدواج کودکان یا سنت‌های محلی منجر به ازدواج اجباری زنان، معضل به شمار می‌آید. شاید در این جامعه حتی صحبت از ازدواج دگرباشان تابو باشد. در بافتار دیگری سال‌هاست که نظام حقوقی به مسئله ازدواج کودکان پایان داده است و حق ازدواج موضوعات متفاوتی دارد؛ بنابراین برای هر جامعه‌ای باید محتوای آموزشی متفاوتی تدارک دید.

آموزش حقوق بشر با چالش انواع نسبی‌گرایی گره خورده است. در روند آموزش، احساسات، ارزش‌ها و عقاید فراگیران نقش مهمی دارد و می‌تواند خلل ایجاد کند؛ ازیک‌سو از منظر ارزش‌های حقوق بشر، درونیات افراد ارزش یکسان دارند و آموزش‌گر ناچار باید به همه آن‌ها به یک اندازه بها دهد. اگر آموزش‌گر چنین واکنش‌های عاطفی را برای یادگیری ضروری قلمداد کند، فراگیران نیز متقاعد می‌شوند تحریک عواطف بخشی از روند آموزش است و بدین ترتیب نسبی‌گرایی به ابزاری در خدمت آموزش تبدیل می‌شود. ازسوی دیگر بخش قابل توجهی از افراد، کم یا زیاد، باورها و نگرش‌های تبعیض‌آمیز دارند. از منظر حقوق بشری چنین باورهایی ضد ارزشی است و باید در روند آموزش تغییر کند؛ وگرنه آموزش به اهداف خود نرسیده است (Flowers, 2000: 30, 31).

در روش تسهیل‌گری فرض بر این است که افراد با زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مختلف و تجربه‌های زیسته، رویکردهای متفاوتی در مورد محتوای آموزش دارند که هیچ‌یک به‌تنهایی برای یادگیری کافی نیست، ولی همه با هم در مجموع زمینه مناسبی را برای آموزش فراهم می‌کند (Kong, 2014: 241). به‌رسمیت شناختن رویکرد فرهنگی و سطح توسعه فراگیران در روش تسهیل‌گری تا جایی مهم است که به تسهیل‌گر توصیه می‌شود حتی در انتخاب پوشش خود آن را در نظر بگیرد (Prendiville, 2008: 23) و شبیه مخاطبان‌ش لباس بپوشد.

## 7-2. ترویج دانش و مهارت حقوق بشر

ترویج دانش و مهارت حقوق بشر با استفاده از اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی و سازوکارهای حمایتی حقوق بشر از اصول آموزش و شرط نخستین، تسلط علمی آموزش‌گر به محتوای آموزش است. اسناد بین‌المللی مهم‌ترین منبع علمی برای آموزش حقوق بشر به شمار می‌آیند. آموزش‌گر باید به دو منظور با محتوای اسناد آشنایی کافی داشته باشد: انتقال آن به فراگیران و برقراری پیوند میان اسناد و مسائل روزمره. آموزش‌گر حقوق بشر در جلسه‌ها به‌صراحت تجربه شخصی افراد را به مسائل حقوق بشر پیوند می‌دهد و در صورت امکان، موضوع را به مواد خاصی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد مربوط به حقوق بشر مرتبط می‌کند؛ باین‌حال، استناد بیش از حد به اسناد بین‌المللی ممکن است موجب عدم انعطاف در انتقال مطالب و گاه کاهش انگیزه در فراگیران شود؛ بنابراین آموزش‌گر، حقوق بشر را به‌عنوان بایسته‌های در حال پیشرفت معرفی می‌کند نه تغییرناپذیر. در استناد به اسناد بین‌المللی، سطح فراگیران شامل تحصیلات، سن، شغل و غیره باید مورد توجه قرار گیرد.

ممکن است در بادی امر این طور به نظر برسد که چون روش تسهیل‌گری با مشارکت گسترده خود فراگیران پیش می‌رود، تسهیل‌گر نیازی به تسلط علمی به محتوای آموزش ندارد؛ ولی در واقع عکس این گزاره صادق است؛ تسهیل‌گر هم به روش تسهیل‌گری به‌عنوان یک مهارت تسلط دارد و هم به محتوای آموزش مسلط است و مدام خود را در این دو زمینه توسعه می‌دهد (Glyn, 2008: 173). از آنجاکه فراگیران تجربه‌های گوناگونی دارند و از زوایای مختلف به محتوای آموزش نگاه می‌کنند، تسهیل‌گر باید علاوه بر آشنایی کامل با محتوای اصلی، با مسائل عملی پیرامونی آن نیز آشنا باشد. از این منظر است که در تعریف تسهیل‌گر بر عنصر دانش گسترده تأکید می‌شود (Hogan, 2002: 57).

## 8-2. مشارکت محوری

منظور استفاده از روش‌های آموزشی مشارکتی است؛ به‌گونه‌ای که متضمن دانش و مهارت لازم برای اقدام در جهت تحقق حقوق بشر باشد. مشارکت هم حقی بشری (حق مشارکت در امور عمومی، موضوع ماده 25 میثاق حقوق مدنی و سیاسی) و هم ابزار تحقق بسیاری از حق‌هاست. برای مثال، منظور از حق تعیین سرنوشت فرهنگی، موضوع ماده 27 اعلامیه جهانی، مشارکت در زندگی فرهنگی است؛ حق توسعه، حول مشارکت در زندگی اقتصادی می‌گردد؛ ماده یک مشترک میثاقین به

مقوله مشارکت در تعیین سرنوشت اشاره دارد؛ مشارکت در فرایند دادرسی از طریق وکیل و مترجم و مشارکت اجتماعی از طریق تشکّل‌های مدنی محقق می‌شود. این‌ها نمونه‌هایی از تأکید نظام حقوق بشر بین‌الملل بر مقوله مشارکت است.

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد فنونی را به‌عنوان مناسب‌ترین روش‌های آموزش حقوق بشر به بزرگسالان معرفی می‌کند که از آن جمله می‌توان به بحث‌های گروهی، گروه‌های کاری، مطالعات موردی، حل مسئله، شبیه‌سازی (مانند شبیه‌سازی جلسه یک دادگاه حقوق بشری)، تمرین‌های عملی (از جمله تهیه پیش‌نویس)، برگزاری جلسه‌های مباحثه و استفاده از ابزارهای بصری اشاره کرد (OHCHR, 2000: 1). این فنون در مطابقت با روش تسهیل‌گری بوده و توانایی در تسهیل‌گری نقش بسزایی در موفقیت آنان دارد. دلیل تأکید بر رویکرد مشارکتی در آموزش حقوق بشر این است که آموزش می‌تواند به‌مثابه جرقه فعالیت اجتماعی در ذهن فراگیران عمل کند (OHCHR & Equitas, 2011: 11-12).

منظور از مشارکت، پیوستن افراد به فعالیت‌های گروهی و همکاری در دستیابی به اهداف گروه است. مشارکت فراگیران در روند آموزش از ویژگی‌های مهم روش تسهیل‌گری است. مشارکت فواید زیادی دارد: افراد از طریق صحبت‌کردن و خوب‌شنیدن، بهتر متوجه مطالب می‌شوند؛ سطح انرژی و شادابی در گروه بالا می‌رود؛ فعالیت و کنش‌گری گروهی تمرین می‌شود و غیره. تسهیل‌گر به دو طریق مشارکت را در گروه به جریان می‌اندازد. نخست با روش‌های خلاقانه (ن.ک: یونیسف، 1392) فراگیران را به مشارکت حداکثری در طول دوره ترغیب می‌کند؛ (John, 2004: 63, 64)؛ به علاوه با جلب نظرات فراگیران، قوانینی برای آموزش می‌چیند و فراگیران را در جریان آن قرار دهد. این قوانین دربرگیرنده مواردی مانند زمان آغاز و پایان جلسه‌ها و مسیر کلی آموزش و قواعد حل تعارض‌ها و اختلاف‌ها در درون گروه است (UNDP, 1998: 8). ازسوی دیگر، تسهیل‌گر موانع مشارکت را برطرف می‌کند. عوامل فردی و نهادی سبب کاهش سطح مشارکت افراد در فرایند آموزش می‌شود. موانع نهادی که افراد را از مشارکت منصرف می‌کند شامل ضعف نظام حقوقی، ضعف قواعد رفاه اجتماعی، عدم دسترسی همگانی به فرصت‌های آموزشی و مسائلی مانند نگرش عمومی به سن، جنس، قومیت، طبقه اجتماعی و غیره است. برای مثال اگر در جامعه‌ای صحبت‌کردن جوان‌ترها در حضور بزرگ‌ترها ناپسند باشد، سطح مشارکت جوانان در جلسه‌ها پایین می‌آید. سطح

پایین اعتماد به نفس و نداشتن اطلاعات کافی، مهم‌ترین موانع شخصی مشارکت است. این عوامل در مجموع به اصل برابری برمی‌گردد. اعضای گروه‌های اقلیت کمتر از اکثریت، تمایل به مشارکت دارند. وظیفه تسهیل‌گر تعدیل مشارکت هر دو گروه اقلیت و اکثریت است تا در نهایت همه فرصت مشارکت فعال و معنی‌دار را در فرایند آموزشی داشته باشند (Prendiville, 2008: 55). بدین منظور آموزش‌گر حقوق بشر باید مطمئن باشد همه فراگیران خود را جزئی از گروه احساس می‌کنند (Erkkilä et. al, 2010: 95). در اثر مشارکت همه اعضای گروه در برابر یادگیری خود و دیگران مسئول می‌شوند نه تنها تسهیل‌گر.

## 9-2. ترس‌زدایی

یکی از اصول آموزش حقوق بشر، ایجاد محیطی عاری از ترس برای آموزش و یادگیری است، به صورتی که مشارکت تشویق شود، حقوق بشر تحقق یابد و زمینه توسعه انسانی فراهم شود. آموزش حقوق بشر محیطی از جنس اعتماد و پذیرش نظر دیگری می‌طلبد (Flowers, 2000: 30, 31). در چنین شرایطی آزادی بیان و اندیشه فرصت بروز می‌یابد و همزیستی مسالمت‌آمیز به عنوان محتوای اصل برادری محقق می‌شود. از این جهت در آموزش حقوق بشر، درست و غلط به معنای سنتی آن جایی ندارد. ترس‌زدایی و مشارکت رابطه متقابل دارند؛ از یک سو لازم تحقق مشارکت در فرایندی جمعی، فراهم بودن فضایی امن و عاری از ترس است و از دیگر سو، ترس‌زدایی از اهداف مشارکت به حساب می‌آید (UN, 2007: 1). دو دسته عوامل در فراگیران احساس ترس می‌کند: عوامل بیرون از کلاس و عوامل درون کلاس. گاهی آموزش‌گران با مقاومت و مخالفت مقامات رسمی، رهبران سیاسی و مذهبی و قومی جامعه نسبت به آموزش حقوق بشر مواجه می‌شوند. استدلال مقاومت‌کنندگان ممکن است مغایرت حقوق بشر با ارزش‌ها و عرف محلی باشد. گاهی جو ترس به واسطه مشکلی در خود کلاس است؛ برای مثال ممکن است فردی آگاهانه یا ناآگاهانه مانع همبستگی و کارایی گروه شود (UN, 2007: 1).

تسهیل‌گری راهکار خوبی برای ایجاد محیطی عاری از ترس دارد. در روش تسهیل‌گری فراگیران با به اشتراک‌گذاری اندیشه‌ها، باورها و ایده‌های خلاقانه‌شان، نیازهایشان را شناسایی می‌کنند و سپس راهکارهایی برای برطرف کردن نیازها می‌یابند (Prendiville, 2008: 13). چنین فرایندی نیازمند

جریان آزادی بیان و حذف تمامی عوامل ترس‌آلود از فرایند و محیط آموزشی است. ساختن محیطی عاری از ترس در روش تسهیل‌گری به اندازه‌ای اهمیت دارد که به تسهیل‌گر توصیه می‌شود در مکانی هم‌ارتفاع با شرکت‌کنندگان قرار بگیرد و تَن صدای خود را از حدی بالاتر نبرد که احساس نگرانی و اضطراب در فراگیران ایجاد شود. به‌کارگیری زبان بدن مناسب از ویژگی‌های مهم یک تسهیل‌گر خوب است و می‌تواند فضا را عاری از ترس کند (Prendiville, 2008: 21). از عوامل محیطی می‌توان به رنگ و نور مناسب مکان آموزش، ارتباط چشمی مستقیم تسهیل‌گر با فراگیران، جلوگیری از بروز درگیری لفظی و جدل دونفره اشاره کرد (Maxwell, et. al, 2011: 29, 30).

از دیگر راهکارهای پیشنهادی روش تسهیل‌گری برای ایجاد محیطی عاری از ترس ناشی از عوامل بیرونی، این است که در آغاز دوره، تسهیل‌گر و فراگیران بر سر قوانین دوره توافق کنند؛ «محرمانگی مباحث کارگاه» از جمله موارد توافق است (Hunter, 2013: 129). در اثر این توافق فراگیران مطمئن می‌شوند گفته‌ها و دیدگاه‌هایشان در بیرون از مکان آموزش بازگو نخواهد شد. در مورد عوامل درونی، راهکار روش تسهیل‌گری برای کاهش احساس ترس در افراد، استفاده از یخ‌شکن است.

## 10-2. برقراری ارتباط میان محتوای آموزش و زندگی روزمره فراگیران

بدین‌منظور باید فراگیران را به بحث درباره‌ی این موضوع ترغیب کرد که حقوق بشر چگونه و با چه ابزاری می‌تواند از عبارتهای انتزاعی به واقعیت زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تبدیل شود. حقوق بشر در ذات خود امری انتزاعی (فرازمانی - فرامکانی) است که در زمان و مکان مشخصی اجرا می‌شود. برای جمع بین این دو نقیض در روند آموزش، باید میان مطالب نظری و زندگی روزمره شرکت‌کنندگان ارتباط برقرار شود (OHCHR, 2012: 14, 15). در آموزش حقوق بشر باید به فراگیران کمک کرد تا خود را جزئی از کل ببینند و جایگاه توأمان خود به‌عنوان شهروند ملی و شهروند جهانی را باور کنند. از آنجاکه مشکلات و نقض حقوق بشر در جوامع محلی در بسیاری موارد در سایر نقاط جهان تجربه شده است، ایجاد حساسیت در گروه نسبت به ابعاد و زمینه‌های نقض حقوق بشر، از مهم‌ترین اهداف آموزش‌گر حقوق بشر است. بدین‌ترتیب در فراگیران احساس یکپارچگی و همبستگی با جامعه انسانی به قصد تحقق کامل حق‌ها ایجاد می‌شود (OHCHR, 2012: 14, 15).

روش تسهیل‌گری به دو طریق رویکرد انضمامی را جایگزین رویکرد انتزاعی می‌کند؛ نخست به جای نگاه انتزاعی و پرسش از اینکه چه چیز باید محقق شود، این‌گونه پرسش می‌شود که چگونه یک امر محقق می‌شود؟ (Attong, 2012: 327). مثال پاسخ نوع اول این است که کودکان نباید کار کنند و مثال رویکرد دوم اینکه کار کودک در منزل، مصداق کار است. دوم، افرادی که در فرایند آموزشی مشارکت می‌کنند تجربه‌های پیشینی دارند و در طول دوره آن را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند؛ در نتیجه مطالبی که مطرح می‌کنند به یک اندازه درست یا نادرست است و از این نظر قابل‌ارزش‌گذاری نیست (Maxwell, 2011: 31, 32). بدین‌ترتیب امر روزمره و تجربه زیسته به جزئی از فرایند آموزشی بدل می‌شود. تسهیل‌گر ابتدا و پیش از ورود به بحث درباره تجربه‌ها و تخصص هر یک از اعضا پرسش‌های مناسبی را مطرح می‌کند و سپس در روند جلسه‌ها و بسته به محتوای آموزش می‌کوشد هر شخص به بهترین شکل از تخصص خود در راهبری بحث استفاده کند و از مطالب دیگران بهره جوید (Equitas, 2007: 15-61).

### 3. نمونه‌های عملی

با توجه به آنچه مطرح شد، روش تسهیل‌گری برای آموزش حقوق بشر به هر مخاطبی، صرف‌نظر از سن، تحصیلات، شغل و غیره مناسب است. تسهیل‌گر با به‌کارگیری خلاقیت در برگزاری کارگاه، می‌تواند هم حقوق بشر را به کودکان آموزش دهد و هم به وکلای دادگستری و هم به دانشجویان حقوق بشر.

#### 3-1. آموزش حق حریم خصوصی جسم به وکلای دادگستری

از آنجاکه تسهیل‌گری روشی مبتنی بر خلاقیت شخص تسهیل‌گر است و بسته به نوع مخاطب و موضوع مورد نظر روند آموزش تغییر می‌کند، ارائه الگویی ثابت ناممکن است. با در نظر گرفتن دستورالعمل کمیساریای عالی حقوق بشر برای آموزش حقوق بشر (OHCHR, 2011: ix) و اصول پیش‌گفته در مقاله حاضر، می‌توان فرایندی به شرح زیر برای آموزش حق حریم خصوصی جسم به وکلای طراحی کرد:

کارگاه یک اتاق با نور کافی، دما و هوای مناسب است، رنگ تجهیزات شبیه محیط‌های معمول اداری است، اتاق یک تریبون دارد، محل نشستن شرکت‌کنندگان میزهای چهارنفره است که فاصله کافی از یکدیگر دارند، پذیرایی روی هر میز و در دسترس شرکت‌کنندگان قرار دارد، لباس تسهیل‌گر رسمی است، لحن رسمی ولی بدون تحکم دارد و هرگز پشت تریبون نمی‌ایستد.



فعالیت	روش	شرح روش	تجهیزات	زمان
شروع کارگاه	معرفی تسهیل‌گر و شرح برنامه دوره و قوانین کارگاه	برنامه به هر شرکت‌کننده داده می‌شود قوانین در قالب A3 در محل مناسب نصب می‌شود بهتر است قوانین کارگاه (مثلاً منع استفاده از موبایل) با جلب نظر شرکت‌کنندگان تدوین شود	برنامه به تعداد قوانین کارگاه در کاغذ A3	5 دقیقه
یخ‌شکن	معارفه	هر شرکت‌کننده خودش را معرفی می‌کند و اشاره‌ای به تجربه و کالتی خود در مورد حق حریم خصوصی جسم می‌کند	-	هر نفر 2 دقیقه
آموزش تعریف و مصادیق	بارش افکار	شرکت‌کنندگان به صورت بی‌قاعده مصادیق حریم خصوصی جسم را نام می‌برند و تسهیل‌گر آن‌ها را روی تخته می‌نویسد و در پایان، بر مبنای نظرات مخاطبان، تقسیم‌بندی مناسبی از انواع حریم جسم ارائه می‌دهد	تخته	15 دقیقه
آموزش مواجهه با محاکم با حق حریم خصوصی	کار گروهی	شرکت‌کنندگان در گروه‌های چهارنفره قرار می‌گیرند؛ مقدمه یک پرونده از پرونده‌های دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد حریم خصوصی جسم، در اختیار هر گروه قرار می‌گیرد؛ به گروه‌ها 30 دقیقه فرصت داده می‌شود تا درباره پرونده لایحه دفاعیه بنویسند. در این مدت تسهیل‌گر به گروه‌ها سرکشی و در صورت لزوم مداخله می‌کند؛ در پایان یک نماینده از هر گروه پشت تریبون می‌رود و ضمن توضیح مقدمه پرونده، لایحه گروه را برای همه می‌خواند.	کاغذ خودکار تریبون	60 دقیقه
نقد و بررسی آرا	کار گروهی	مختصری از رأی دیوان اروپایی حقوق بشر در دو پرونده مورد بحث در اختیار هر گروه قرار می‌گیرد؛ از گروه‌ها خواسته می‌شود رأی دیوان را با توجه به لایحه خود نقد کنند؛ در پایان نماینده هر گروه جمع‌بندی خود را از مقایسه تطبیقی دو متن برای همه می‌خواند.	کاغذ خودکار تریبون	45 دقیقه
جمع‌بندی	تسهیل‌گر	ارائه توضیحات از طریق پاورپوینت	ویدئوپروژکتور	10 دقیقه

### 2-3. آموزش حق حریم خصوصی جسم به کودکان پیش دبستانی

آموزش به کودکان ظرافت‌های ویژه‌ای دارد. از نظر یونیسف بهترین استراتژی آموزش به کودکان پیش از دبستان، بازی است؛ بازی‌ای که در راستای موضوع آموزش معنادار باشد، کودک را درگیر کند، پویا و متضمن مشارکت اجتماعی باشد (UNICEF, 2018: 7)؛ بنابراین تسهیل‌گری آموزش حقوق بشر به کودکان، بازی‌محور است. فضای پیشنهادی: اتاق روشن، دما و هوای مناسب است، تجهیزات (میز، صندلی، رنگ دیوار و غیره) به رنگ‌های شاد و پرانرژی انتخاب شده‌اند، هریک از کودکان میز و صندلی مخصوص به خود با فاصله کافی از هم دارند؛ پذیرایی در زمان مناسب بر میزی مجزا چیده می‌شود، لباس تسهیل‌گر به رنگ شاد است، در تمام طول کارگاه چهره تسهیل‌گر شاداب است.

فعالیت	روش	شرح روش	تجهیزات	زمان
شروع کارگاه	معرفی تسهیل‌گر و شرح برنامه دوره و قوانین کارگاه	موضوع و قوانین کارگاه به زبان ساده برای کودکان تشریح می‌شود قوانین به صورت مصور به دیوار نصب می‌شود یکی از قوانین این است که در طول کارگاه هیچ‌کس دیگری را بی‌اجازه لمس نمی‌کند و خود تسهیل‌گر این قانون را رعایت می‌کند	پرینت A3 تصویر قوانین	5 دقیقه
یخ‌شکن	بازی	کودکان در اتاق (با بخشی از اتاق، بسته به تعداد) می‌دوند. هر دو کودکی که به یکدیگر برخورد کنند با هدایت تسهیل‌گر از بازی کنار می‌روند	فضای خالی	3 دقیقه
آموزش رازداری	پخش فیلم و صحبت فردی	انیمیشن کوتاهی در مورد منع لمس بدن کودک بدون اجازه او و واکنش‌های مناسب به تعرض نمایش داده می‌شود سپس کودکان با بلندکردن دست نظرشان را در مورد انیمیشن می‌گویند تسهیل‌گر به‌خوبی به اظهارات گوش می‌دهد و تلاش می‌کند نظرها را به سمت منع تعرض به کودک و لزوم مقابله با آن ببرد	نمایش‌گر بزرگ	15 دقیقه
استراحت	پذیرایی	پذیرایی روی یک میز چیده شده و کودکان بدون برخورد با یکدیگر از آن برمی‌دارند	خوراکی و نوشیدنی	15 دقیقه
یادآوری	رل پلی	دو داوطلب از میان کودکان انتخاب می‌شوند از نفر اول خواسته می‌شود به‌آرامی شانه دیگری را لمس کند از نفر دوم خواسته می‌شود واکنش مناسب نشان دهد به دیگران فرصت داده می‌شود با واکنش متفاوت بازی را تکرار کنند تسهیل‌گر واکنش‌های نادرست را با ارائه توضیحات رد می‌کند و واکنش‌های درست را تقویت می‌کند	-	15 دقیقه
جمع‌بندی	تسهیل‌گر	ارائه جمع‌بندی به زبان ساده و غیرشعاری و ترجیحاً مصور	-	5 دقیقه

## نتیجه‌گیری

روش تسهیل‌گری، رویکردی مشارکتی دارد که بر پایه اصول احترام متقابل و یادگیری متقابل شکل گرفته است و از تجربه‌ها و اظهارات فراگیران در فرایند یادگیری بهره می‌جوید. این رویکرد افرادی را با زمینه‌ها، فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و باورهای مختلف برای یادگیری با هم و یادگیری از هم آماده می‌سازد. این روش مبتنی بر راستی‌آزمایی ذهنی فراگیران است و ناخودآگاه موجب تغییر نگرش‌های ناقص و همچنین به‌وجود آمدن نگرش‌های مثبت در جهت حمایت و ارتقای حقوق بشر می‌شود؛ همچنین نقش مفیدی در احساس تعلق بیشتر اشخاص موضوع آموزش به جامعه بشری در کل دارد. رویکرد مشارکتی تجزیه و تحلیل اجتماعی را تشویق می‌کند و فراگیران را برای اقدامات مشخصی به منظور تغییرات اجتماعی منطبق با ارزش‌ها و استانداردهای حقوق بشر، توانمند می‌سازد.

رعایت اصول حقوق بشر یعنی آزادی، برابری و برادری در فرایند آموزش به‌طور کلی و آموزش حقوق بشر به‌طور خاص ضروری است. کمیساریای عالی حقوق بشر در قالب سه برنامه اصول سه‌گانه را در قالب ده اصل برای آموزش حقوق بشر شاخص‌گذاری کرده است. در فرض رعایت اصول ده‌گانه، روش آموزش به‌عنوان وسیله، با محتوای آموزش به‌مثابه هدف، در تعارض قرار نمی‌گیرد. پژوهش نشان می‌دهد اصول آموزش حقوق بشر در انطباق کامل با مؤلفه‌های تسهیل‌گری است.

تسهیل‌گری از آنجاکه فرصتی برای تمرین عملی مفاهیم حقوق بشری از جمله آزادی بیان و اندیشه و حق مشارکت عمومی و حق صلح را در اختیار می‌گذارد، روش مناسبی برای آموزش حقوق بشر است. از آنجاکه برخلاف آموزش سنتی مبتنی بر رابطه برابر شرکت‌کنندگان و تسهیل‌گر است، در آن آزادی شرکت‌کنندگان رعایت می‌شود، و تسهیل‌گر میان خود و شرکت‌کنندگان و شرکت‌کنندگان با یکدیگر رابطه‌ای برادرانه برقرار می‌کند، مناسب‌ترین روش برای آموزش حقوق بشر به انواع گروه‌هاست.

## فهرست منابع

امیرارجمند، اردشیر (1378)، «آموزش حقوق بشر»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 25 و 26.  
انصاری، باقر و همکاران (1388)، آموزش حقوق بشر، چاپ نخست، تهران: انتشارات مجد.  
یونیسف (1392 الف)، بازی‌ها و تمرین‌ها، راهنمایی برای تسهیل‌گران کارگاه‌ها و برنامه‌های گروهی مشارکت‌محور، ترجمه الهه میرزایی، چاپ نخست، تهران: نشر دایره.  
یونیسف (1392 ب)، مصورسازی در برنامه‌های مشارکت‌محور، راهنمایی برای تسهیل‌گران کارگاه‌ها و فرایندهای گروهی، ترجمه الهه میرزایی و امید زمانی، چاپ نخست، تهران: نشر دایره.

- Ankiewicz, Pie and, Adam, Fatima and de Swardt, Estelle and Gross, Elna (2001), "The facilitation of critical thinking in a Technology Education classroom", *Acta Academica*, No. 33 (3).
- Attong, Maxine and Metz, Terrence (2012), *Change or Die: The Business Process Improvement Manual*, 1<sup>st</sup> ed., Oxon: Productivity Press.
- Baldwin Ragaven, Laurel and London, Leslie (2009), *Training Trainers for Health and Human Rights*, 1<sup>st</sup> ed., Geneva: UNRISD.
- Bellamy, Carol (2003), *The State of The World's Children 2004, Girls, education and development*, 1<sup>st</sup> ed., New York: UNICEF.
- Bracken, Jeff (2005), "Eight Ps of Effective Facilitation Planning and Preparation", In: Schuman, Sandy (editor) *The IAF Handbook of Group Facilitation: Best Practices from the Leading Organization in Facilitation*, 1<sup>st</sup> ed., New Jersey: Jossey-Bass.
- Claude, Richard Pierre (2000), *Popular Education for Human Rights: 24 Participatory Exercises for Facilitators and Teachers*, 1<sup>st</sup> ed., London: Human Rights Education Associates.
- Equitas (2007), *Training of Trainers: Designing and Delivering Effective Human Rights Education*, 1<sup>st</sup> ed., Montreal: Equitas.
- Erkkilä, Petra and Klocker, Sabine (2010), *Training Trainers for Human Rights Education with Young People*, 1<sup>st</sup> ed., Budapest: Council of Europe.
- Flowers, Nancy (2000), *The Human Rights Education Handbook, Effective Practices for Learning, Action, and Change*, 1<sup>st</sup> ed., Minneapolis: Human Rights Resource Center.
- Ganj, Darya (2006), *Adult Learning Methods*, 1<sup>st</sup> ed., New Delhi: Sarup & Sons.
- Gibbs, Graham (2001), *Learning by Doing: a Guide to Teaching and Learning Methods*, 1<sup>st</sup> ed., Cheltenham: Geography Discipline Network.
- Glyn, Thomas (2008), "Facilitate first theyself: The importance of the person-centered dimension of facilitator education", *Journal of Experiential Education*, No. 31.
- Glyn, Thomas (2010), "Facilitator, teacher, or leader? Managing conflicting roles in outdoor education", *Journal of Experiential Education*, No. 32.
- Groot, Annemarie and Maarleveld, Marleen (2000), *Demystifying Facilitation in Participatory Development*, London: International Institute for Environment and Development, Gatekeeper Series, No. 89.
- Hogan, Christine (2002), *Understanding facilitation: Theory and principles*, 1<sup>st</sup> ed., London: Kogan.
- Hunter, Dale (2013), *The Art of Facilitation: The Essentials for Leading Great Meetings and Creating Group Synergy*, 16<sup>th</sup> ed., UK: ReadHowYouWant.
- Information Resources Management Association (2010), *Web-based Education: Concepts, Methodologies, Tools and Applications*, 1<sup>st</sup> ed., Hershey: Information Science Reference.

- Ismail, Gulalai; Ismail, Saba; Ahmad Ammad (2013), Gender Based Violence and The use of ICTs and Digital Story Telling for Addressing Gender Based Violence, 1<sup>st</sup> ed. Peshawar: Aware Girls.
- John, Eller (2004), Effective Group Facilitation in Education: How to Energize Meetings and Manage Difficult Groups, 1<sup>st</sup> ed., Thousand Oaks: Corwin.
- Kamp, Mathias (2011), Facilitation Skills and Methods of Adult Education, a Guide for Civic Education at Grass Roots Level, 1<sup>st</sup> ed., Kampala: Konrad-Adenauer-Stiftung Uganda Office.
- Kong, Siu Cheung (2014), “the Design of Collaborative Learning”, in: Mizoguchi, R. Dillenbourg, P. Zhu, Z., Learning by Effective Utilization of Technologies: Facilitating Intercultural Understanding, 2<sup>nd</sup> ed., Washington: IOS Press.
- Maxey, Cyndi; O'Connor, Kevin (2013), Fearless Facilitation: The Ultimate Field Guide to Engaging (and Involving!) Your Audience, 1<sup>st</sup> ed., San Francisco: Pfeiffer.
- Maxwell, Kelly E.; Nagda, Biren; Thompson, Monita C. (2011), Facilitating Intergroup Dialogues: Bridging Differences, Catalyzing Change, 1<sup>st</sup> ed., Sterling: Stylus Publishing.
- OHCHR & Equitas (2011), Evaluating Human Rights Training Activities a Handbook for Human Rights Educators, 1<sup>st</sup> ed., Montreal: International Centre for Human Rights Education and the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights.
- OHCHR (2000), Human Rights Training: a Manual on Human Rights, Training Methodology, 1<sup>st</sup> ed, New York and Geneva: UN.
- OHCHR (2003), Human Rights in the Administration of Justice: A Manual on Human Rights for Judges Prosecutors and Lawyers, 1<sup>st</sup> ed., Geneva: UN.
- OHCHR (2004), ABC: Human Rights Practical activities for primary and secondary schools, 1<sup>st</sup> ed., Geneva: United Nations Publication.
- OHCHR (2011), Human Rights in the Administration of Justice: a Facilitator's Guide on Human Rights for Judges Prosecutors and Lawyers, 1<sup>st</sup> ed., New York and Geneva: UN.
- OHCHR (2013), Report International Conference on Human Rights Education and Training for the Civil and Public Sector (Post-Conference), 1<sup>st</sup> ed., Dublin: Irish Human Rights Commission.
- OHCHR, Plan of Action for the first phase (2005-2009) of the World Program for Human Rights Education, 2006.
- OHCHR, Plan of Action for the second phase (2010-2014) of the World Program for Human Rights Education, 2012.
- OHCHR, Plan of Action for the third phase (2015-2019) of the World Program for Human Rights Education, 2014.
- Ornstein, Allan C.; Lasley, Thomas J. (1999), Strategies for Effective Teaching, 3<sup>rd</sup> ed., New York: McGraw-Hill Humanities.
- Potocan, Vojko (2016), Handbook of Research on Managerial Solutions in Non-Profit Organizations (Advances in Public Policy and Administration), 1<sup>st</sup> ed., Harrisburg: IGI Global.
- Prendiville, Patricia (2008), Developing facilitation Skills, A Handbook for Group facilitators.
- Raphael, Dennis (2012), Tackling Health Inequalities: Lessons from International Experiences, 1<sup>st</sup> ed., Toronto: Brown Bear Press.
- Sharry, John (2007), Solution-Focused Groupwork, 2<sup>nd</sup> ed., New York: SAGE Publications Ltd.
- UN (2007), Participatory Dialogue: Towards a Stable, Safe and Just Society for All, 1<sup>st</sup> ed, New York: UN.
- UNDP (1998), Training Manual on Human Rights and Sustainable Human Development, 1<sup>st</sup> ed, New York: UNDP.
- UNICEF (2018), Learning through Play Strengthening Learning through Play in Early Childhood Education Programmes, 1<sup>st</sup> ed, New York: UNICEF.
- UNPF, Human Rights Principles (2005), <https://www.unfpa.org/resources/human-rights-principles#1399/11/7>
- Weiwei, Li (2004), Equality and Non-Discrimination under International Human Rights Law, 1<sup>st</sup> ed, Oslo: Norwegian Centre for Human Rights.

